



بنابر یک سنت خانوادگی، امروز باید از یکی از نوشته های او استفاده کنم... اما کدام یک؟؟



سلام
من نادر گمنام هستم
عضو کوچکی از خانواده ای
بسیار بزرگ که تاریخ را
برای شما زنده نگه
می دارد.
خانواده ما در بهار ۱۳۹۱
یکی از بزرگترین اعضای
خود را از دست داد:
پرویز شهریاری



دانشمندان یونانی
«بی نهایت» را همچون
موجود ترسناکی که همه
توانین را برهم می ریزد
می دانستند.



اغلب با هراسی هول انگیز
همراه بود.



نهایت و بی نهایت
ذهن کم تجربه و ساده اندیش انسان پیش
از بیست سده دو مفهوم «بی نهایت» و
«ابریت» را به هم گره می زد و تنها راه نجات
فرد را فرار از هر دو آن ها می دانست.
بی انتهای دریا
بی پایانی آسمان
و انبوهی ستارگان...



ای وای زنون ایلیایی!
حتماً مسئله ای دارد



ننبر فرو نللی تنبر بروس
چهار کاسه تنبر بفر
بچ کاسه تنبر مجانی بگر



ننبر فرو نللی تنبر بروس
چهار کاسه تنبر بفر
بچ کاسه تنبر مجانی بگر
خب! سه کاسه شیر گرفتم
برای آن باید سه چهارم کاسه
شیر به من بدهی.



$$12 + 3$$



سه کاسه شیر مجانی من چه شد؟
ننبر فرو نللی تنبر بروس
چهار کاسه تنبر بفر
بچ کاسه تنبر مجانی بگر



لطفاً دوازده کاسه شیر بده!



و ارشمیدس بزرگ «نامتناهی» را به مبارزه طلبید و سر بلند و پیروز از صحنه بیرون آمد.



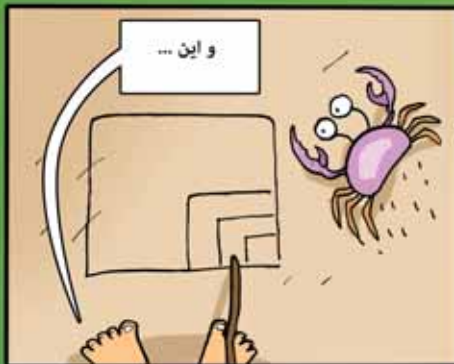
ای وایای!!! ارشمیدس! به دادم برس!!!

و برای آن ...



و برای آن سه چهارم. سه شانزدهم یک کاسه

$$12 + 3 + \frac{3}{4}$$



و این ...



و این سه شانزدهم



این سه چهارم است



نگران نباش! قانون ها در قلمرو بی نهایت، در همان حال که با استدلال به دست می آیند باید با تجربه و طبیعت هم سازگار باشند پس من فکر این را هم کرده ام



اما او تا ابد می تواند بیاید و یک ذره یک ذره از من شیر بگیرد

پس تو علاوه بر آن سه کاسه شیر فقط باید یک کاسه شیر مجانی دیگر به او بدهی



اکنون همه این "بی نهایت" قطعه روی هم، همان یک واحد خواهند بود



اکنون او با چهار کاسه شیر مجانی خود، کاسه شیر دیگری طلب خواهد کرد



سپس یک کاسه شیر دیگر هم مجانی به او بده



برای دوازده کاسه شیری که می خرد، سه کاسه شیر مجانی به او بده

شهریاری در طول عمر پربار خود از تأثیر نظرها و اعتقادهای زمان خود مصون ماند. دغدغه او زندگی آدمها بود و استفاده از آموزش ریاضی جهت ارتقای آن. او هر کاری می کرد حول و حوش آن بود.

انسان به جز در حالت های استثنایی نمی تواند از تأثیر نظرها و اعتقادهای زمان خود مصون بماند. ارشمیدس از «روح زمان» پیروی نکرد، سنتها را در هم شلست و راه درست بررسی را در مناسبه رشته های نامتناهی نشان داد و نزدیک به دو هزار سال طول کشید تا ریاضی دانان توانستند راه ارشمیدس را دنبال کنند. «بی نهایت» را به رسمیت بشناسند و به جای قرار از آن، آن را به خدمت دانش بگیرند.



و این همان جوابی است که از مجموع آن "بی نهایت" ریز ریز حاصل می شود

$$12 + 3 + 1 = 16$$



ما در "نهایت" بی حسابیم

اما تو قبلاً یکی به او داده ای و اکنون بی حسابید